

بررسی کوتاه بر هنر ساسانیان

زهره شیخی

دانشجوی دکتری رشته تاریخ ایران قبل از اسلام

آرزو حبیبی

دانشجوی دکتری رشته تاریخ ایران قبل از اسلام

محمد لاله کانی

دانشجوی دکتری رشته تاریخ ایران قبل از اسلام

چکیده

آثار هنری، همواره نمایشگر فرهنگ و تمدن هر قوم بوده است. دوره ساسانی از دوره های اعتلای هنر و تمدن در ایران پیش از اسلام است. در این دوره جایگاه هنر و هنرمند در مقایسه با دوره های پیش از خود، از شکوفایی قابل وصفی برخوردار است. برداشت از هنر ساسانی در دنیای امروزی بسیار متفاوت است. مهم ترین ویژگی هنر ساسانی هماهنگی و وحدت در کل و جز دست ساخته های آن هاست. هنر ساسانی گونه ای از هنر ایرانی است که در زمان خویش رواج پیدا کرد و توانست قالب ها و سنت های بومی ایران را زنده کند که حتی با ظهور اسلام این هنر تا سواحل مدیترانه و جنوب فرانسه اشاعه پیدا کند. هنگامی که صحبت از هنر ساسانی می شود، در واقع صحبت از هنرهای تلفیقی هخامنشیان، اشکانیان و همچنین هنرهای یونانی و رومی و هنرهای خاوری می باشد. در این دوره جایگاه هنر و هنرمند در مقایسه با دوره های پیش از خود، از شکوفایی قابل وصفی برخوردار است. برداشت از هنر ساسانی در دنیای امروزی بسیار متفاوت است. شلومبرگر در مورد هنر ساسانی معتقد است که هنر ساسانی، هنری ایرانی جدید، بازگشت به هنر هخامنشی و حاصل یک تجدید حیات آگاهانه نسبت به سنت های قدیمی ملی است. ویل هنر ساسانی را عکس العمل در برابر هنر پارسی می داند. گیرشمن تا حدی شبیه به ویل می اندیشد و معتقد است که هنر ساسانی جانشین مستقیم هنر پارسی است. اردمان هنر ساسانی را بازگشت فکری شدید می داند، شپیمان در کتابش می نویسد: «من برای باورم که جداسازی ساسانیان از پارتیان ممکن نیست، این یک تحول مستمر است که از هخامنشیان از طریق پارتیان تا ساسانیان در جریان بوده است. و این نکته منحصر به تاریخ نیست، در مورد هنر هم صدق می کند». در واقع می توان گفت که هنر ساسانی در ابتدای امر کاملاً وارث گذشته ایرانی است. در این پژوهش نگاهی مختصر به هنر دوره ساسانی داشته است و آن را به طبقاتی تقسیم بندی نموده، به تبیین و توضیح هریک پرداخته شده است. این جستار با روش مطالعه کتابخانه ای و روش تحلیلی- تطبیقی بهره جسته است.

کلیدواژه: هنر، ساسانی، هنر ساسانی، طبقه بندی.

مقدمه

آثار هنری، همواره نمایشگر فرهنگ و تمدن هر قوم بوده است، هنر ساسانی گونه ای از هنر ایرانی است که در زمان خویش رواج پیدا کرد و توانست قالب ها و سنت های بومی ایران را زنده کند که حتی با ظهور اسلام این هنر تا سواحل مدیترانه و جنوب فرانسه اشاعه پیدا کند. هنگامی که صحبت از هنر ساسانی می شود، در واقع صحبت از هنرهای تلفیقی هخامنشیان، اشکانیان و همچنین هنرهای یونانی و رومی و هنرهای خاوری می باشد. دوره ساسانی از دوره های اعتلای هنر و تمدن در ایران پیش از اسلام است. در این دوره جایگاه هنر و هنرمند در مقایسه با دوره های پیش از خود، از شکوفایی قابل وصفی برخوردار است. برداشت از هنر ساسانی در دنیای امروزی بسیار متفاوت است. شلومبرگر در مورد هنر ساسانی معتقد است که هنر ساسانی، هنری ایرانی جدید، بازگشت به هنر هخامنشی و حاصل یک تجدید حیات آگاهانه نسبت به سنت های قدیمی ملی است. ویل هنر ساسانی را عکس العمل در برابر هنر پارسی می داند. گیرشمن تا حدی شبیه به ویل می اندیشد و معتقد است که هنر ساسانی جانشین مستقیم هنر پارسی است. اردمان هنر ساسانی را بازگشت فکری شدید می داند، شیپمان در کتابش می نویسد: «... من بر این باورم که جداسازی ساسانیان از پارتیان ممکن نیست، این یک تحول مستمر است که از هخامنشیان از طریق پارتیان تا ساسانیان در جریان بوده است. و این نکته منحصر به تاریخ نیست، در مورد هنر هم صدق می کند...». در واقع می توان گفت که هنر ساسانی در ابتدای امر کاملاً وارث گذشته ایرانی است.

مهم ترین ویژگی هنر ساسانی هماهنگی و وحدت در کل و جز دست ساخته های آن هاست. همه ی آثار هنری آن ها دارای ویژگی های مشخص و معینی هستند، از جمله تقارن و تکرار، استفاده از طرح های مدور یا بیضی های حاشیه ی مروارید نشان در ترتیب های عمودی واقعی، تاکید بر قدرت و شکوه سلطنت و مذهب، بهره گیری از نشانه ها و نمادهای مذهبی و قومی، استفاده از داستان ها، افسانه ها و اساطیر در خلق طرح ها و نقش هاست. هنرمندان ساسانی همواره مجموعه ای از تصاویر را آماده داشتند و به طور خستگی ناپذیر آن ها را در اندازه های مختلف روی انواع دست آفریده های خود (از نقش برجسته تا مهر) به کار می گرفتند. (ریاضی، ۱۴۰۲: ۲۴۰)

در این جستار نگاهی کلی به هنرهای دوره ساسانیان خواهیم داشت. هنرهای ساسانیان را می توان در ۶ حالت کلی مورد بررسی قرار داد که شامل:

- ۱- معماری
- ۲- هنرهای دستی
- ۳- سکه ها
- ۴- مهرها و گل مهرها
- ۵- نقش برجسته ها
- ۶- ادوات جنگی

۱-معماری

معماری ساسانی، دنباله معماری هخامنشی و اشکانی است و هنرمندان در این دوره کوشش نمود ه اند تا اصالت معماری ایرانی را حفظ نمایند. در دوره ساسانی مکتب جدیدی در معماری ایران به وجود آمد که نه تنها سبک معماری ساسانی ایران را تشکیل داد بلکه بر معماری ایران پس از اسلام نیز تاثیرگذار بود. احداث پوشش گنبدی با آجر و پایه های سنگی و ستون هایی از سنگ و گچ و اغلب متصل به دیوار، طاق های آجری گنبدی فراز چهارضلعی و ایجاد تالارهای بزرگ از مشخصات معماری ساسانی است.

هنر ساسانی بی تردید تحت تاثیر هنر روم و غرب قرار داشته اما بیشتر پیرو معماری پارتی و در نهایت سنت های معماری ایرانی است. (تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۳: ۱۲۴) ساسانیان با پیوستن به هنر هخامنشی به سنت های کهن آسیای غربی پیش از اسکندر استمرار می بخشید. ساسانیان در عین گرفتاری های ممتد در میدان های جنگ و جنگ های متوالی، هیچگاه از عمران و آبادی و ساختن شهرها و کاخ های با عظمت و با شکوه و بنای پل ها، سدها و کاریزها و احداث طرق و شوارع بین شرق و غرب کوتاهی نورزیدند. (بهرامی، ۱۳۵۳: ۲۱۸)

در حالت کلی می توان ویژگی های معماری را به شرح زیر توصیف نمود:

- ۱- طاق های آجری که نیاز به ستون های زیاد را برای کاخ ها را از بین برد.
- ۲- گنبد که بر روی تالار چهارگوش قرار می گیرد در واقع برای گنبدسازی و سرپوشیده کردن بنا است.
- ۳- ایوان یک تالار طاقدار است که از همه جهت پوشیده و از طرفی دیگر به بیرون باز است که نخستین بار در زمان پارتیان مرسوم شد. در زمان ساسانیان ایوان در فرم های متعددی استفاده می شده است.
- ۴- استفاده از سنگ لاشه بر روی دیوارها، فضا سازی در معماری ساسانی با استفاده از سنگ های قالبی حجاری شده و نیز لاشه سنگ به طور مجزا صورت گرفته است.
- ۵- زیبایی کاخ ها با استفاده از گچ و گچ بری در زیبایی بنا و دیوارها، موزائیک، نقاشی، ایجاد نقوش برجسته جلوه و زینت داده اند. در بناهای سلطنتی، استفاده از گچ پلاک های قالبی و کنده کاری رایج بوده است.
- نقوش گچ بری های متنوع بود که شامل نقوشی چون گل، گیاه، نقوش هندسی و انسانی که با رنگ اخرائی رنگ می شدند. موزائیک ها رنگی که نقش مایه های انسانی، حیوانی و گیاهی داشت.
- ۶- به کاربرد مصالح ساختمانی در کاخ ها و بناها
- ۷- طاق نماها و طاقچه های کم عمق و استفاده از طاق های عمیق در نمای دیوارها که در جداره دیوارهای داخلی با نقوش ساده یا گیاهی تزیین شده بودند.
- ۸- نقوش برجسته تزیینی بر روی سنگ ها که در تزیینات بناها استفاده می شد.

۱-۱- شهرها

حکومت ۴۲۵ ساله ساسانی پس از شاهنشاهی هخامنشیان، یکی از درخشان ترین دوره های تاریخی ایران است. این دودمان خود را زاده خدایان و منسوب به شاهان هخامنشی خوانده اند. افزون بر آن، شکوه و عظمت و وسعت دیرین ایران را به دنبال کوشش های پانصد ساله سلاطین پارت بدست آورده اند. عامل مذهب در پیدایش و شکل بخشیدن به شهرها از دیرباز اهمیت داشته است. پایه گذاری شهرها در کنار چشمه ها، دامنه کوه مقدس یا در محل درگذشت یک شخصیت ممتاز مذهبی یا سیاسی نیز از جمله عوامل موثر دیگر است. بنیان گذاری عمده شهرهای کهن به اعتبار امر مقدس و در پیوند با آیین مورد قبول جامعه بوده است، پس نباید امر مذهب را در شکل گیری شهرها نادیده گرفت. شهر به مثابه شکل تعیین یافته روابط اجتماعی و مناسبات انسانی، از جایگاه ویژه ای در تاریخ و باستانشناسی برخوردار است. عصر ساسانی یکی از پربرونق ترین و طلایی ترین دوره های فرهنگ، هنر و معماری در تاریخ ایران است که آثار معماری و شهرسازی آن با گذر بیش از ۱۵۰۰ سال در گوشه و کنار این سرزمین مشاهده می شود. تعداد آثار تاریخی بر جای مانده از این دوران نسبت به دوره های پیشین خود در فعالیت های عمرانی مانند ایجاد شهرها، قلعه ها، پل ها و سدها دارد.

شهرسازی در دوران ساسانی از معماری خاصی تبعیت می نمود که براساس هندسه منظمی طراحی و برنامه ریزی می گردید مانند شهر اردشیر خوره یا دارابگرد به عنوان شهرهای مدور، شهر بیضاپور به شکل مستطیل و شهر استخر به طور نامنظم معرفی و تقسیم

بندی شده اند. شهرها دارای حصار بود و چهاردروازه به سوی عالم داشت که یادآور جهات اربعه است، تقسیم شهر به چهار قسمت ناشی از این جهان بینی بوده است. شهرهایی مانند نیشابور، همدان و دارابگرد چهاردروازه داشتند. (نظریان، ۱۳۸۸: ۷۳)

شهرسازی در زمان ساسانی در راستای اقدامات اردشیر و دیگر شاهان ساسانی تأسیس و نیاز به شهرها در آغاز دوره ساسانی نقش مهمی را در اداره دولت مرکزی ایفا می کرد. پادشاهان ساسانی شهر را به عنوان مرکزیت قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی در رهبری کشور تبدیل کرد و به خصوص با اسکان اجباری گروه های مردم حرفه ای و متخصص در شهرهای جدید رشد صنعت و کشاورزی در قلمرو پهناور ایران تضمین شد. در دوران ساسانی با توجه به اهمیت شهر، شهرسازی توسعه پیدا کرد که شهرهای باقی مانده از آن دوران مؤید این نکته است. در شهرهای ساسانی وجود طبقات اجتماعی و رعایت این اصل سبب گردید تا از آمیختگی طبقات و گروه های مختلف اجتماعی جلوگیری شود. تحولات معماری متأثر از تغییر عوامل فرهنگی و دانش فنی که به مرور اتفاق افتاده و دقیقاً منطبق بر تغییرات سلسله های حکومتی نبوده است. (محمدی و افتخارچهرمی، ۱۳۹۹: ۹۰)

اردشیرباکان، موسس سلسله ساسانیان، خود بانی شهرهای بسیاری است، چنانکه در کارنامه وی شهرسازی از مقام بالایی برخوردار است (فرهوشی، ۱۳۹۰: ۵۵-۴۵) بسیاری از جغرافی نگاران و مورخین سده های اسلامی به شهرهایی که اردشیربنیاد نهاد، اشاره کرده اند. نکته قابل در این میان تفاوت شهرها و نام آنها است که در منابع این نویسندگان به چشم می خورد. اما وجه مشترک همه آنها ذکر فراوان شهرهایی است که به دست اردشیرباکان ساخته شد. طبری شمار و نام شهرهایی را که اردشیر بنیاد نهاد، چنین ذکر کرده است: «اردشیر هشت شهر بنا کرد که از آن جمله اند: شهر اردشیر خوره (گور)، رام اردشیر، ریواردشیر در فارس، هرمزاردشیر که همان سوق الاهواز در اهواز باشد، به اردشیر در غرب مداین (سلوکیه و تیسفون)، استاباد اردشیر که همان کرخ میشان باشد در سواد (عراق کنونی)، فسا اردشیر که همان شهر خطبش در بحرین و بوژاردشیر یا خره در نزدیکی موصل» (طبری، ۱۳۶۲: ۵۸۴)

«اردشیر خوره» (به معنای اردشیر) (شکل شماره یک) از تاسیسات اردشیر در دشت فیروزآباد فارس است. شهری است مدور شکل با قطر تقریبی ۲ کیلومتر. دو محور اصلی که به زاویه قائمه با یکدیگر تلاقی می کنند، شهر را به چهاربخش بزرگ تقسیم می کنند، که هریک از آنها نیز به سهم خود به پنج قسمت دیگر تقسیم می شود. این بیست منطقه با احداث خیابان های حلقه ای شکل به هم مربوط شده اند. در یک دایره محصور درونی به قطر تقریبی ۴۵۰ متر، برجی به ارتفاع حدود ۳۰ متر سربرافراشته است، که کاربرد آن روشن نیست. این طرح کلی همچنان در دشت ادامه پیدا می کند. (شیپمان، ۱۳۹۷: ۱۲۲) اردشیر خوره بنا بر گفته برخی مورخان اسلامی، نخستین شهر ساسانی است که پیش از غلبه اردشیر بر اردوان پنجم ساخته شده است.

«دارابگرد» یکی از پنج ولایت پارس در دوره ساسانی برشمرده می شود که علی رغم ویرانی بناها و تاسیسات داخلی آن، برج و باروی شهر همچنان پابرجاست. (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۰۱) (شکل شماره دو) این شهر در فرهنگ لغات با معنای خاص به کاررفته و به عنوان مکانی دارای آب، جایگاه فراوان آب به کار رفته است. گفته می شود نام منطقه در آغاز دارابگرد یا داراب جرد بوده است. در مورد پسوند گرد نیز معنای شهر ذکر گردیده است. برخی شهرها پیش از به قدرت رسیدن ساسانیان نیز وجود داشته اند که مجدداً در این دوره احیا شده یا تکمیل گردیده اند. شهر دارابگرد کانون رشد اردشیرباکان بوده و تا زمان طغیان علیه حاکم اشکانی در آن استقرار داشته است. دارابگرد بر ساخت شهر اردشیر خوره تأثیر بسیاری داشته است. (کیانی، ۱۳۶۶: ۱۸۰) در دوره حکومت ساسانیان نیز از شهرهای پررونق مذهبی- تجاری بوده و آتشکده ای در مجاورت آن قرار داشته و انواع بافت قالی، مومیایی، حصیر و نمک از آن صادر می گردیده است. اهمیت این منطقه را نقش برجسته ای در نزدیکی شهر در بالای یک چشمه که پیروزی شاپور بر والریانوس و گردیانوس را به تصویر کشیده، بیان می کند. (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۹۲) دارابگرد شهری مدور است که محیط آن به ۶ کیلومتر می رسد. پیرامون شهر خندقی عمیق و عریض دارد که با وجود گذشت زمان ابعاد آن را می توان دریافت، پهنای خندق به طور متوسط ۵۰ متر و عمق آن بیش از ۶ متر بوده است. شهر دو دروازه اصلی و دو دروازه فرعی داشته و به نظر می رسد در دوره ساسانیان دروازه شمالی مدخل اصلی شهر بوده است، چراکه نسبت به سایر دروازه ها عریض تر و خیابان اصلی آن منتهی به ارگ حکومتی در مرکز شهر می شود دو دروازه اصلی در جهات شرقی و غربی و دو دروازه دیگر در جهت شمال و جنوب قرار داشته اند. دروازه شرقی

به نام دروازه خورشید در سمت راه آتشکده مشهور آذرخش و دروازه غربی از نظر تماس و ارتباط با خارج مهم تر بوده و در جهت راهی که به مناطق مرکزی پارس می رفته قرار داشته است. هوف معتقد است که شهر دارابگرد بر اساس صحبت حمزه اصفهانی یک نقشه مثلی داشته و سپس در دوران اسلامی شکل مذکور به حصار قطور مدور تبدیل شده است. نقشه این شهر با یک سیستم هندسی کامل، شکل گرفته و منظم مانند اردشیرخوره است (هوف، ۱۳۶۵: ۴۱۳) ساخت شهر یا توسعه آن در زمان شاهان ساسانی همانند ادوار دیگر، به توانمندی، ثروت، اهداف شخص شاه بستگی داشت. چنان که به شاهان بزرگ و قدرتمندی مانند اردشیر پاپکان ۱۰ شهر، شاپور اول ۸ شهر، شاپور دوم ۸ شهر، پیروز ۴ شهر، قباد ۶ شهر، خسروانشیروان ۵ شهر، خسروپرویز ۲ شهر نسبت داده اند. (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

با شکست اشکانیان در سال ۲۲۴ میلادی سلسله حکومت ساسانی در ایران آغاز شد (Daryaei, 2014) بقایای شهری و آثار معماری دوره ساسانی به طور چشمگیری بیش از آثار حدود پنج قرن دوره اشکانی است که بر سر زمین ایران حکومت کردند و پادشاهان ساسانی به عنوان بنیانگذاران بسیاری از شهرهای ایرانی شناخته شده اند (Karimian, 2010) این موضوع در خصوص دو پادشاه نخستین سلسله، اردشیر و شاپور پررنگ تر است. تجمع شهرهای نوین آنها در منطقه جنوب غربی کشور یا سرزمین های بین دامنه های جنوبی زاگرس و حاشیه شمالی خلیج فارس که امتداد آن به مناطق بین النهرین می رسد بیشتر است. شاپور اول پس از تاجگذاری در سال ۲۴۱ میلادی منش پدر خود را در تاسیس شهرهای جدید دنبال کرد (Pigulevskaia, 1963) در میان تمام شهرهایی که ساخت آنها به او منسوب شده، بیشاپور به عنوان شهر محبوب او شناخته می شود. (Girshman, 1971) شهر بیشاپور (شکل شماره سه)، بر اساس متون ساسانی و اسلامی در زمان شاپور اول، ۲۷۲ میلادی (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۰۵؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۰؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۶۳)، جانشین اردشیر در غرب اردشیرخوره و در یک دشت نامنظم در یک محیط باز و قابل رفت و آمد، در مسیر استخر به خلیج فارس ساخته شده است (کیانی، ۱۳۶۶: ۱۸۱) شهر بیشاپور در تقاطع دو جاده باستانی اصلی قرار داشته که یکی از آن ها شهر گور را به تیسفون متصل می کرده و دیگری را بین شهرهای شمالی تر همچون استخر، خاستگاه اجداد پادشاهان ساسانی و خلیج فارس بوده است. این شهر در زمان شاپور پر نعمت بوده و محصولاتش مانند نیشکر، زیتون و انگور در آن بسیار عمل می آمده و انواع گل و میوه در آن رشد می کرده است. قلعه آن «دنبلا» نام داشته و بارویش چهار دروازه داشته که عبارت بودند از دروازه هرمز، دروازه مهر، دروازه بهرام و دروازه شهر. مسجد جامع آن نیز در بیرون شهر بوده است. (لسترنج، ۱۳۸۳: ۲۸۴) مقدسی نیز بیشاپور را شهری با چهار دروازه که گرداگرد آن خندق است و نهری به دورقصبه می گردد، توصیف کرده و از دژ دنبلا نیز نام می برد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۵) این شهر از لحاظ دفاعی موقعیت طبیعی مناسبی دارد، وجود کوه و رودخانه در اطراف آن یکی از مزیت های خوب آن به شمار می رود. این شهر مجلل ترین شهر در بین شهرهای ساسانی بوده است. شهرت این شهر نیز به دلیل وجود غاری با مجسمه بزرگتر از اندازه طبیعی شاپوراول و نقش برجسته های پادشاهان ساسانی است. این شهر براساس یک نقشه مستطیلی یعنی هیپودامی ساخته و به علت توپوگرافی آن فقط دو طرف آن با حصار مستقیم و خندقی درکنار آن و مابقی با رودخانه شاپور و کوه های اطراف محصور شده است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۸۱؛ بوسالی و شراتو، ۱۳۸۳: ۴۱) در حال حاضر ویرانه های بیشاپور در حال حاضر بین شهرهای کازرون و قائمیه در غرب استان فارس قرار دارند. آثار این شهر از تنوع فراوانی برخوردار بوده که شامل آثار یادمانی، مذهبی، نظامی و اقامتگاه های سلطنتی است که برخی از آنها عبارتند از نقش برجسته های صخره ای، ستون های یادبود، تندیس شاپور، آتشکده، معبد آب، دژ نظامی و کاخ ها. آنچه بیشاپور را در سیر تحول شهری ایران متمایز می کند بهره گیری از برخی عناصر هنر رومی است تحت تاثیر فتح انطاکیه توسط شاپور بود. (Canepa, 2017)

استخر، این شهر از جمله شهرهایی است که نخست، این شهر پیش از تأسیس حکومت ساسانیان شکل گرفته است و دوم، در دسته شهرهای بدون شکل منظم قرار دارد. این شهر از جمله مکان های مهم در زمان های باستان و پرجمعیت ترین شهر پارس بوده است؛ از زمان هخامنشان تا چند سده پس از حضور اسلام این شهر دایر و برقرار بوده است. استخر از مراکز مهم سه حکومت هخامنشی، اشکانی و ساسانی به شمار می رفته و جایگاه موبدان، دبیران و دستوران دین زرتشتی بوده است. جد اردشیر نیز در معبد آناهیتای

استخر تولیت معبد را در دست داشته است (سامی، ۱۳۵۴: ۲؛ کریستین سن، ۱۳۸۸: ۵۹؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۰) شهر استخر نیز نمونه یک شهر با طرح نامنظم است. بنابراین، در شکل گیری شهرهای ساسانی عوامل دفاعی، نظامی، مذهبی و باورهای اعتقادی، سیاسی، اداری، تجاری و موقعیت جغرافیایی اهمیت داشتند و بسیاری از شهرهای ساسانی در کتب مورخان دوره اسلامی نیز آمده اند.

۱-۲- کاخ ها

شاخص ترین بقایای معماری ساسانی و مهم ترین کار معماران این دوره بودند. این دسته از بناها علی رغم تنوع در طرح، دارای چیدمان منظم با محورهای متقارن و عنصر مسلط ایوان می باشند. از کاخ های به جا مانده دوران ساسانی می توان به کاخ تیسفون، کاخ فیروزآباد در فارس، کاخ های بیشاپور در فارس، کاخ سروستان فارس اشاره کرد.

کاخ تیسفون و به خصوص ایوان باشکوه آن در زمان ساسانیان محل برگزاری دیدارهای مهم، بارعام و همچنین محل برگزاری جشن های سنتی مانند نوروز در حضور شاهنشاه ساسانی بوده است. در زمان حمله اعراب به ایران، این کاخ، در سده هفتم میلادی غارت شد. سپس مدتی بعد از آن به عنوان مسجد استفاده شد و پس از آن کم کم متروکه شد. این کاخ، در این که آیا خسرو اول یا شاپور اول بناکننده این ساختمان عظیم هستند در بین پژوهندگان اختلاف نظر است.

کاخ فیروزآباد کاخ اردشیر بابکان یا کاخ اردشیر بابکان که به آتشکده اردشیر نیز معروف است، قلعه ای است که در نزدیکی فیروزآباد استان فارس، در دامنه کوهی در نزدیکی قلعه دختر واقع شده و در سال ۲۲۴ پس از میلاد به دستور اردشیر بابکان بنیان گذار شاهنشاهی ساسانی ساخته شده است. این قلعه در دو کیلومتری شمال شهر باستانی گور قرار دارد. شهر باستانی که کاخ در آن قرار دارد، پس از این که اردشیر با سرنگونی اردوان، آخرین پادشاه اشکانی، شاهنشاهی ساسانی را تأسیس کرد، به «پروز» (پیروز) تغییر نام داد. پس از حمله اعراب به ایران، اعراب پیروز را فیروز نامیدند و این نام، باقی ماند. شهر کنونی فیروزآباد از این رو در تاریخ ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. این سازه شامل سه گنبد است و کمی بزرگ تر و باشکوه تر از بنای مشابه خود، قلعه دختر است. به نظر می رسد که این محوطه به جای این که یک بنای مستحکم برای اهداف دفاعی باشد، برای نمایش تصویر سلطنتی اردشیر بابکان طراحی شده است. به همین دلیل است که شاید بهتر باشد این بنا را «کاخ» بدانیم تا «قلعه»، هر چند که در اطراف آن دیوارهای عظیمی (دو برابر ضخامت دیوارهای قلعه دختر) دارد و یک بنای محدود است. با توجه به نوع طراحی و معماری، به نظر می رسد این کاخ، بیشتر مکانی برای اجتماعاتی بوده است که در آن میهمانان، با تاج و تخت پادشاهی آشنا می شده اند.

کاخ های بیشاپور، در میان این مجموعه، بقایای یک سازه عظیم توجه را جلب می کند. نقشه بخش مرکزی این سازه ترکیب یک مربع و یک چلیپا که رواقی به دور آن ساخته شده است. این بنا که امروزه کاخ چلیپایی یا تالار تشریفات نام گذاری شده است. در مجاورت آن، معبد آناهییتا ایوان و تالار موزائیک قرار دارد. ساختمان آن بسیار آسیب دیده است و تنها شاهد بر وجود سقف در بخشی از رواق شمالی آن قابل مشاهده است. یکی از خصوصیات این سازه ضخامت دیوارهای آن است که نزدیک به ۶ متر است. شکل اصلی این کاخ در نگاه اول قابل تشخیص نیست و این مشکل اساسی است. فرد بازدید کننده در محیط داخلی این سازه باستانی مشاهده می کند یک فضای باز با پلانی چلیپایی است که چهار درگاه دارد و بدنه های داخلی آن حاوی تعداد زیادی طاقچه های آسیب دیده است. (شاه محمدپور سلمانی و دیگران، ۱۳۹۹)

کاخ سروستان در استان فارس و در ۹ کیلومتری جنوب شهر سروستان در شهرستان سروستان و محله تنگ قرار داشته و کل مجموعه ۲۵ هکتار وسعت دارد. این کاخ از سنگ و گچ ساخته شده و ایوانی مربع شکل بخش مرکزی آن را تشکیل می‌دهد که دارای ۱۳ متر طول و عرض، و ۱۸ متر ارتفاع دارد. همچنین در مرکز و حیاط دارای گنبدی می‌باشد. این بنا همانند کاخ فیروزآباد و کوچکتر از آن است و طاق‌های گنبدی آن با آجر زده شده‌است. این بنا که از با شکوه‌ترین کاخ‌های عهد ساسانی است و شامل یک ایوان ورودی و گنبدی در مرکز و حیاط است. در این کاخ نسبت به بناهای دیگر این دوره از معماری و پلان پیچیده و کامل‌تری استفاده شده‌است.

اگر بخواهیم کاخ‌های ساسانی را به صورت خلاصه توصیف شوند، می‌توانیم از یک طرح کف منظم، با اتاق‌های فراوان سخن بگوییم، با یک یا چند ایوان، ارتباط قسمت‌های مختلف فضا با طاق ضربی نیمه استوانه‌ای و وجود گنبد در فضاهای عظیم و سترگ. مهمترین ویژگی‌های معماری کاخ‌ها چنین است: الف) کل بنا، در مجموع، ساختاری غیرمتقارن دارد، گرچه در بخش‌هایی که رسمی‌تر به نظر می‌رسد تقارن رعایت شده است. ب) بخش اندرونی (بخش خاص) و بیرونی (دیوان عام) از یکدیگر تفکیک شده و هم چون کاخ‌های پارتی و هخامنشی دارای ورودی‌های مستقل هستند. ج) در همه بناها تنوع فضایی به چشم می‌خورد و دارای آشپزخانه، حمام، فضاهای خدماتی. د) در برخی از کاخ‌های یا خانه‌های اربابی نمازخانه خصوصی دارند که به نظر می‌رسد برای برگزاری آیین‌ها مذهبی در زندگی روزانه دربارود دیگر طبقات بوده است. ه) ایوان‌ها نقش بزرگی در معماری کاخ‌ها و خانه‌های اربابی داشته و در بسیاری از موارد مختص بخش رسمی یا بارعام بوده است. (طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۶۷)

۱-۳- قلعه‌ها

قلعه‌هایی چون قلعه دختریشاپور، قلعه دختر فیروزآباد که هر دو آن‌ها از همه مشهورترند. قلعه دختر که یک دژ کوهستانی است بر یک فلات صخره‌ای بر فراز گردونه ای است که مهمترین راه ورود به دشت فیروزآباد را تشکیل می‌دهد و در آنجا، در دشت دومین بنای بزرگتر واقع است که به نام آتشکده موسوم است. از این هر دو بنا طرح اصلی و شیوه ساختن کاخ‌های ساسانی را به خوبی می‌شود دریافت. قلعه دختر از بنای دومی قدیمی‌تر است. شاید اردشیر هنگامی که تیول دار پارتیها بود آن را ساخته باشد. این بنا از دیرباز شناخته شده بود ولی تازه در اثر پژوهش هوف در سال‌های هفتاد، به آگاهی‌های مشروح تری دست یافتیم. این بنا ترکیبی است از دژ و کاخ. کاخ ساختمان اصلی است که بر مرتفع‌ترین قله فلات به سه طبقه تقسیم شده است؛ در بالاترین تختان مهمترین قسمت بنا واقع است: یک ایوان بزرگ با یک تالار گنبددار پشت سر آن و اتاق‌های جنبی. ایوان و تالار گنبددار می‌بایست به دو عامل قاطع فضا سازی در معماری ساسانی تبدیل شود. از ایوان منظور فضایی است با طاقی قوسدار از خاک رس، که از یک طرف باریک به حیاط باز است. این از «ابداعات» دوران پارتی هاست، مثلاً در هتیه زیاد دیده می‌شود. اما تازه در دوره ساسانی است که این شیوه ساخت به چیزغول آسایی بدل می‌شود. دومین تجدد گنبد سازی است. تبدیل یک نقشه کف مربع شکل به پایه گرد یک طاق قوسدار، تاریخ هنر و تحقیقات معماری را به خود مشغول داشته است. (شیپمان، ۱۳۹۷: ۱۲۸)

۱-۴- خانه‌های اربابی

مانند خانه اربابی که در حاجی آباد در جنوب دارابگرد است. این مجموعه را مسعود آذرنوش کاوش کرده است. در این مجموعه با حوزه‌های گوناگون مواجه هستیم. نخستین بخش بیرونی آن دیوان عام است که حیاطی محصور و ایوانی رو به آن دارد. این حیاط دیوارهایی تاقچه دار و پرداخت شده و دوستون در انتهایش دارد و دو راهرو آن را از حوزه‌های دیگر تفکیک کرده اند. سه طرف ایوان را نیز راهرویی محاط کرده است. انتهای ایوان باز است و در ادامه، پس از گذر از راهرو به حیاط و ایوانی کوچک تر منتهی می‌شود که شاید دیوان خاص بوده است حوزه‌های سکونتی آن در غرب مجموعه قرار گرفته اند، اما به علت کامل نشدن کاوش‌ها در این

بخش درباره دسترسی و ارتباط های آن اطلاعاتی در دسترس نیست. بخش مذهبی مجموعه در شمال غربی آن است. (طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۶۰)

۱-۵- بناهای مذهبی

در حکومت ساسانیان، به علت پیوند دین و دولت، مراسم درباری و مذهبی مشترکات زیادی داشت. در شماری از کاخ ها و خانه های ساسانی نمازخانه ی خصوصی کشف شده است که وجود آن در نظرگرفتن برگزاری آیین های مذهبی در زندگی روزانه ی دربار و دیگر طبقات در مردم بوده است. در هنر معماری پس از بناهای غیر مذهبی دومین نوع بزرگ، بناهای مذهبی است که طبیعتاً اثر خود را در معماری ساسانی نیز به جا گذارده است. از بناهای با عظمت مثلاً مانند معماری های سلطنتی چیزی شناخته شده یا به اثبات نرسیده است، مشروط بر آن که از بناهای بزرگ مذهبی تخت سلیمان واقع در آذربایجان چشم بپوشیم. شکل اصلی ساختمان های مذهبی کم و بیش بی اهمیت همان چهار تاق است. (شیپمان، ۱۳۹۷: ۱۳۴)

۱-۶- بناهای غیر مذهبی

در مورد سایر بناهای فنی باید قبل از همه از پل ها و استحکامات نام برد. خصوصیات جغرافیایی، کوههای بلند و سرافراشته، تنگه ها و رودهای بسیار، ایجاب می کردند که اگر تجارت وسیعی باید شکوفا شود، باید پل های فراوانی تعبیه کنند. بدین ترتیب است که در حدود ۲۰ بنا از دوره ساسانیان وجود دارد. بیش از همه این اسرای جنگی رومی بودند که در زمان شاپور اول به پل سازی عنایت کردند و فی المثل پل های شوشتر و دزفول را در خوزستان ساختند. پس لابد همین ها هم بوده اند که «بتون رومی» را وارد کرده و به کار گرفته اند. ما از دوران ساسانی پل هایی را می شناسیم که سد هم دارند، پل هایی جرزدار بدون سد و پل هایی بدون جرز در بستر رودخانه .

۲- هنرهای دستی:

شامل:

۲-۱- سفال گری :

سفالگری روزگار ساسانیان در هنر این دوران اهمیت زیادی ندارد. یکی از علت های آن این است که کاوش های بسیار اندکی در مورد دوره ساسانیان انجام شده است که سفال های تاریخداری بی گفت وگویی از این دوران به دست داده باشد. در نتیجه ما درباره شناسایی تفاوت بین اشیاء سفالی اواخر دوره پارتی ها و اوایل دوره ساسانی یا اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی است. آن چه ما درباره سفال های ساسانی می دانیم، چندان نظرگیر نیست، و اردمان مطمئناً حق دارد، هنگامی که می گوید که سفالگری کاملاً در درجه بعد از فلز کاری قرار داشته و کلیه ظرف های مهم را از طلا، نقره و با مفرغ می ساختند. ظرف های سفالین در وهله اول به کار مصارف خانه داری می خورد.

در کنار اشیاء بی لعاب، اشیاء لعابدار نیز یافته می شود که لازم به یادآوری است که این سفال های لعابدار یک رنگ هستند. لعاب های چند رنگ مخصوص دوره اسلامی است. از آن گذشته باید دانست که این سفال های لعابدار بیشتر در بین النهرین ساسانی و خوزستان (شوش) به دست آمده، در سایر نقاط از این سفال ها به ندرت پیدا شده اند. (شیپمان، ۱۳۹۷: ۱۵۱)

۲-۲- حجاری

از این عنوان منظور ما سنگ هایی است تراش خورده با نقش برجسته و مهرهای سنگی. از سنگ های تراش خورده ساسانی ما فقط معدودی در اختیار داریم. یکی از مشهورترین آنها در «کتابخانه ملی پاریس» نگهداری می شود، که به اقرب احتمال اسارت والریان را به دست شاپور اول نشان می دهد.

در عوض وضع مهرهای سنگی به قرار دیگری است، ما در این مورد هزاران نمونه در دست داریم، به خصوص بعضی از موزه های مانند لینگراد، لندن، برلین و همچنین پاریس مجموعه های عالی بزرگی در اختیار دارند. البته در کنار آنها نباید مجموعه های خصوصی را فراموش کرد. مهرهای سنگی ساسانی در بین حجاری های شرقی از لحاظ شبیه سازی و شکل ظاهر ممتاز است. مهرهای غلتکی بسیار رایج در بین النهرین هرگز در ایران به درستی پا نگرفت، نه در روزگار هخامنشیان، که به هر حال نمونه های زیادی از آنها در دست داریم، نه در دوره ساسانیان. مهرهای ساسانی بیشتر به شکل نیم کره ساخته شده اند و در پهلوی آنها سوراخی تعبیه شده که به کمک بندی می توان آنها را به گردن آویخت. بعضی از این مهرها را می توانسته اند به عنوان انگشتری در انگشت کنند، و این نکته از بقایای جای نگین ها پیدا است.

جنس این مهرها بیشتر از سنگ های نیمه گرانبهاست و قطر آنها بین چهار میلیمتر تا ۴۵ میلیمتر در نوسان است. تعداد فراوان و کیفیت مختلف مهرها را به این نتیجه می رساند که مردمی با وضع و موقع کاملاً مختلف در دوره ساسانیان از مهر استفاده می کرده اند. از لحاظ شمایل شناسی می توان گفت که انواع ممکن موضوع ها در آنها دیده می شود: سرهای مرد و زن، صحنه های تنصیب، شکار و ضیافت، نقش بسیار زیاد حیوانات، الهه آناهیتا و سایر ایزدان. نوشته های پهلوی در مهرهایی دیده می شوند که از جنس مرغوبتر هستند. تنها می توان به این نتیجه رسید که ساسانیان «مهردوست» راه خود مهرها عملی نشده است، بلکه نقش آنها بر کلوخ ها نیز در این کار سهمی داشته اند. همان گونه که در جایی دیگر یادآور شدیم، این که چه چیزها را مهر می کرده اند، محل اختلاف است: اسناد یا کالا؟ حجاری ساسانیان هنوز جای خالی بسیار برای پژوهش دارد که یکی از آنها هم فراهم آوردن فهرست است، که در آن صورت «دانش ما از دنیای ایرانی فوق العاده خواهد شد». (شیپمان، ۱۳۹۷: ۱۵۲)

۲-۳- موزائیک

هنر موزائیک سازی به عنوان یک عنصر تزئینی، از قدمتی چندین هزارساله برخوردار بوده و در تمدن های مصر، بین النهرین، یونان و روم و بیزانس به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. اما این هنر در ایران باستان با اقبال چندانی مواجه نبود و تنها در سطحی اندک در دوره ساسانی و در حیات موزائیک کاخ بیشاپور، اجرا گردیده است. طبق مطالعات باستانشناسی و تحقیقات انجام شده در بناهای پاسارگاد و تخت جمشید، در تزئین بنا از هنر موزائیک به کار برده نشده است. اما جای تعجب دارد که در آن دوران استفاده از هنر موزائیک در تزئین بناهای یونانی و مصر و حتی در بین النهرین دیده می شود، اما در تزئینات بناهای هخامنشی هیچ استفاده ای به عمل نیامده است. حال آن که می دانیم که یونانیان و مصریان که در تمدن خود به طور گسترده از این هنر استفاده می نمودند و حتی این تمدن ها که در ساخت بنای تخت جمشید حضور داشتند و فنون معماری خود را در این بنا به کار بردند. به هر حال آنچه تا کنون مطالعات و کشفیات باستانشناسی نشان داده است، در بناهای ایرات تا قبل دوران ساسانی، هیچ نشانه ای از کاربرد هنر موزائیک دیده نمی شود و فقط در کاخ بیشاپور کشف شده است.

در منابع ادبی، درباره شکوه و جلال کاخ تیسفون نوشته شده است که خسروانوشیروان دستور ساخت آنها را روی دیوارهای تالار تخت خود داده بود. در زمان شاپوراول که بنیانگذار بیشاپور است به نظر می رسد که او تمایل به داشتن تزئینات موزائیک در اقامتگاه خود در بیشاپور داشته است، به همین دلیل تصمیم گرفته بود که به کمک نیروی انسانی متخصص سوریه ای ها و حتی رومی ها که می توانسته به راحتی آنها را در بین زندانیان خود بیاید و کم و بیش آنها را به صورت آزاد به کار گمارد، آن را برپا کند. زیرا موزائیک کاران در واقع صنعت گرانی بودند که برای انجام ساخت موزائیک از کجا به جای دیگر دعوت می شده اند. (گیرشمن، ۱۳۸۷: ۱۱۷) گرچه طی پژوهش علی رضا بهرمان ه عنوان می دارد: «موضوع نقوش موزائیک های بیشاپور با سایر نقوش آثار هنری دوران ساسانی استنباط می شود که طراحان نقوش موزائیک ها بیشاپور به احتمال قریب به یقین هنرمندان ایرانی بوده اند. همچنین تجربه علمی در خصوص بازآفرینی یک قطعه از موزائیک کاری ها که در این پژوهش به انجام رسید، نشان داد که تکنیک موزائیک کاران رومی و

آنان که در بیشاپور کار کرده اند، با آن چه هنرمندان موزاییک کار معاصر انجام می دهند، تفاوت داشته است. (بهرمان، ۱۳۹۳: ۴۸)

۲-۴- گچ بری ها

کاربرد گچ بری ها برای تزیین بنا، برای پوشاندن ناهمواری استفاده می شده است. تپه حصار، بیشاپور، کیش، بندیان، تپه میل، تخت سلیمان، نسا، کوه خواجه، چال ترخان، نظام آباد؛ هونگ نوروزی، قلعه ضحاک، قلعه یزگرد، از مهمترین محوطه های تاریخی هستند که از آن ها گچ بری به دست آمده است. از ویژگی های مهم این نقوش تقارن، تکرار نقوش، وجود قطعات مربع شکل که درون آن ها دایره ای به شکل رشته مروارید نقش شده و به کارگیری طرح های دو معنایی مانند درخت زندگی است. (سجادی، ۱۳۷۴: ۱۹۶)

۲-۵- پارچه

از هنگامی که در قرن نوزدهم آشکار شد که نقش های مختلف پارچه های ابریشمی، به خصوص آنها که در خزانه عتیقه کلیساهای اروپایی وجود دارند با نقش پارچه های صحنه شکار (بافته شده) در غار بزرگ تاق بستان و همچنین نقاشی های آسیای مرکزی مطابقت دارند، آثار منسوج ساسانی هر لحظه بیشتر موضوع بحث های پرشور پژوهندگان قرار گرفته است.

تعداد بسیاری از تکه پارچه ها، اغلب ابریشمین، در گذشته به ساسانیان منسوب شده اند، هرچند که ما عمدتاً هیچ تاریخ گذاری دقیقی از آنها در دست نداریم یا محل تولید آنها را نمی دانیم. با یک استثنا، یعنی گروهی از تکه پارچه های پشمی-نخی، که ضمن حفاری های انگلیسی ها در شهر قومن- در واقع یک مهاجرنشین پارتی (هکاتوم پیلوس)- در یکی از لایه های مربوط به ساسانی ها یافته شده، تمام پارچه های موسوم به ساسانی از سرزمین های به دست آمده که جزء خاک اصلی ساسانی نبوده ان، مانند گورهای در آنتیونوئه در ساحل نیل یا از استاته در حوضه دریاچه تاریم یا از اروپا.

علی رغم کشفیاتی که از ناچیز هم ناچیزتر است می توان اصولاً چنین برداشتی داشت که در دوره ساسانیان تولید پارچه به مقدار زیاد وجود داشته است؛ و این نکته از منابع باستانی و اسلامی تأیید می شود. مثلاً مسعودی می گوید که شاپور دوم در سال ۳۶۰ میلادی ابریشم بافان خارجی، و بیش از همه سوری را ساسانیان از طریق نظارت بر قسمتی از راه ابریشم به دست می آوردند، که ابریشم از چین به حالت خام به کشورهای غربی وارد می شد. کلیسای بیزانسی از شیوع ابریشم ایرانی چنان ناراحت بود که علناً علیه پارچه هایی که از جنس « کرم های ایرانی » بافته شده و با تصاویر تزیین شده بود، صدای اعتراض برداشت و آنها را محکوم کرد.

با رونقی که تجارت اشیاء بازمانده قدیمی در ایام پس از مسیح، به خصوص بعدها در اثر جنگ های صلیبی، پیدا کرد، بسیاری از تکه های ابریشم به مغرب زمین راه یافت، زیرا هر شیئی بازمانده قدیمی، مثلاً قوزک پای یکی از قدیسان، در هنگام ارسال از شرق به اروپا در یک تکه پارچه گرانبهای قدیمی پیچیده می شد، تا بدین ترتیب ارزش آن چیز بی اهمیت را بالا ببرند.

اکنون وظیفه علم این است که بقایای پارچه هایی را که در سراسر دنیا، این جا و آنجا وجود دارد، و از این نظر می تواند مطرح باشد، از طریق مقایسه، و بیش از همه با جامه هایی که در نقش برجسته تاق بستان نشان داده شد، به عنوان پارچه ساسانی احراز هویت کنند. بسیار ممکن است که در اثر این کار به این نتیجه برسیم که تکه پارچه مورد تحقیق به دوره پس از ساسانیان متعلق بود، زیرا از این تزیینات دوران ساسانی در بسیاری از مناطق، چه شرق و چه غرب، تقلید می کرده اند. (شیپمان، ۱۳۹۷: ۱۲۹)

۲-۶- شیشه

پس از آن که مدت ها می پنداشتند که ساسانیان خود دارای صنعت شیشه سازی نبوده اند، کشفیات متعدد در مناطق ساسانی ما را به نتیجه ای دیگر رهنمون شده است. به خصوص باید از حفاری های آلمانی ها در تیسفون ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ میلادی، کشفیات کیش و تل ماحوز و مخصوصاً کشف ایتالیایی ها در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ میلادی در تل برودا که در داخل شهر ساسانی وه اردشیر قرار دارد، یاد کرد. به هر تقدیر تمام این جاها در بین النهرین واقع اند. تنها محل های کشفیات باستانشناسی بسیار اندکی در خاک ایران سراغ داریم که در آنها شیشه به دست آمده باشد. یکی از آن منطقه دیلمان در شمال غرب ایران است که هیئت اکتشافی ژاپن در سال ۱۹۶۸ میلادی در آن ظرف های بسیاری کشف کرد، بعد شوش که در اثر حفاری های فرانسوی ها چند بطری شیشه ای از زیر خاک بیرون آمد و از سرانجام قصر ابونصر در شیراز.

هر چند که امروز می توان از شیشه گری مستقل ساسانی سخن به میان آورد، از طرف دیگر نمی توان نفوذ و تاثیر زیاد سورییه را که سنتی قدیم در کار شیشه سازی داشت، نادیده شمرد. در اینجا شاید مانند مورد صنایع نساجی بتوان مبنا را چنین قرار داد که اسیران جنگی این دیار و یا کسانی که به اجبار در اینجا سکنی یافته بودند باعث و بانی صنایع شیشه گری ساسانی شده اند. به هر حال ما برای ترتیب دادن یک گاهشناسی دقیق از نظر شکل و زینت مدت هاست که مواد کافی حاصل از مدارک و اسناد معتبر باستانشناسی در اختیار نداریم؛ اغلب اشیایی که امروز می توانیم آنها را در مجموعه های مختلف و موزه های دنیا مورد اعجاب قرار دهیم؛ بیش از هر جای دیگر در ژاپن اند؛ و برای آن که جانب ادب و احتیاط را رعایت کرده باشیم، می گوییم از راه «تجارت اشیاء هنری» (شیپمان، ۱۳۹۷: ۱۵۰)

۳- سکه ها

سکه های ساسانی از لحاظ تعداد از مقدار معتنی به به مهرهای ساسانی نیز افزونتر است، و در نتیجه نوشته ها و آثار بسیاری درباره آن به وجود آمده است. (شیپمان، ۱۳۹۷: ۱۵۲) سکه در بین همه یادبودهای دوران ساسانی یکی از مهمترین منابع به شمار می آید. مطالعات سکه شناسی ساسانی از قرن ۱۸ میلادی آغاز شد و تاکنون پیشرفت های چشم گیری داشته است، به گونه ای که امروز پاسخ بسیاری از پرسش ها و ابهامات تاریخ و باستانشناسی دوره ساسانی از تحقیقات سکه شناسی به دست می آید. بزرگ ترین و مهم ترین سکه در ایران متعلق به موزه ملی ایران (ایران باستان) است که بیش از ۴۴۰۰ سکه ساسانی را در خود جای داده است. مجموعه های کوچک تری از سکه های ساسانی نیز در موزه ملک، تماشاگاه پول و موزه بانک سپه در تهران، موزه آستان قدس رضوی در مشهد، موزه آذربایجان در تبریز، موزه ارومیه، موزه گیلان در رشت، موزه بابل، موزه کرمانشاه، موزه سکه های تاریخی ایران در شیراز، موزه سکه حیدرزاده و موزه میرزا محمد کاظمینی در یزد، موزه سکه کرمان، موزه سیستان و بلوچستان در زاهدان و موزه های دیگر نگهداری می شوند. (شواربی، ۱۳۹۵: ۸۸) در فرانسه، بزرگ ترین مجموعه سکه های ساسانی، با حدود ۷۰۰۰ سکه، متعلق به کابینه سکه و مدال کتابخانه ملی فرانسه در پاریس است. (شواربی، ۱۳۹۵: ۸۹)

سکه در بین همه یادبودهای دوران ساسانی یکی از مهمترین منابع به شمار می آید. به کمک تصویر سکه ها، سبک و فن به کار رفته در آنها می توان به نام و توالی پادشاهان ساسانی پی برد. گوبل، یکی از برجسته ترین متخصصین سکه شناسی ساسانی اعتقاد دارد، «که رشته تاریخی روش ضرب سکه ساسانی و گونه شناسی بسیار دقیق آن یک شبکه همکاری مکانی و زمانی از جنس فلز درباره تاریخ ایران در این دوران ایجاد کرده است».

روی سکه ها نیم تنه شاه را با تاج و طغری نشان می دهد، در حالی که پشت سکه بر سه نوع است: یک بار آتشگاه تنها با شعله، بعد همین نقش با دو نفر دستیار و سرانجام همین تصویر با نیم تنه ای در میان شعله ها. تاج از همه چیز مهم تر است، هر پادشاهی تاجی مخصوص به خود داشت، و شناسایی این تاج به علم کمک می کند که هویت هر پادشاهی را تعیین می کند. سکه طلا چندان زیاد نیست، همچنین است نیز سکه های مسین، اغلب سکه ها از نقره است و ضخامت هر سکه هم بسیار کم است. واحد اصلی پول درست مانند پارتی ها در هم و وزن متوسط آن نیز چهار گرام بود. در زمان شاپور دوم ضرب سکه به وفور آغاز می شود؛ به گمان

گوبل علت آن بوده است که این پادشاه به مقدار زیاد نیروهای کمکی از آسیای مرکزی به عنوان مزدور استخدام کرده بود و مزد آنها را با سکه می پرداخت. به عقیده گوبل، بدین ترتیب مقدار فراوانی از سکه های ساسانی به آسیای مرکزی وارد شده و ضرب سکه آنجا را سخت تحت تاثیر قرار داده است.

یکی از مشکل ترین مسئله ها در محدوده سکه شناسی ساسانی که مدت هاست گشوده نشده، موضوع ادارات ضرب سکه است. در آغاز دوره ساسانی حتماً فقط تعداد معدودی از ادارات موظف به ضرب سکه بوده اند، که با عقیده گوبل از سه تا شش اداره تجاوز نمی کرده است. بعدها به خصوص در دوره خسرو دوم تعداد ادارات به رقم بالایی رسید. تعیین شمار دقیق ادارات ضرب سکه در هر یک از سال های دوره ساسانی از آن جهت مشکل است که این ادارات نام های خود را به صورت کوتاه شده روی سکه ها ذکر می کرده اند و علاوه بر آن علائم نوشتاری خط پهلوی اغلب دو پهلوی هستند. (شیپمان، ۱۳۹۷: ۱۵۳)

۴- مهرها و گل مهرها، نگین

تعداد بسیاری از مهرهای ساسانی که از سنگ های گران بها ساخته شده اند در دست است. بسیاری از آنها دارای نقوش بعضی دارای نوشته است. این نوشته ها شامل نام صاحب مهر و نام پدر و در مواردی عنوان و منصب وی است. تعدادی از آنها متعلق به دین مردان (روحانیان) زردشتی است. بیشتر مهرها به مردان تعلق دارد گرچه تاکنون تعداد کمی از مهر زنان نیز به دست آمده است که حاکی از نقش فعال زنان در امور اجتماعی عهد ساسانی است. مهرها هم در موزه های گوناگون جهان و هم در مجموعه های خصوصی نگاهداری می شود و تاکنون بسیاری از آنها منتشر شده است.

مهرواره ها را از گل پخته درست می کردند و در آنها سوراخی می نهادند. نامه ها و اسناد را پس از پیچیدن با ریسمان و غیره با این مهرواره ها می بستند و به اصطلاح امروز مهر و موم می کرده اند. دو مجموعه عمده از مهرواره ها تخت سلیمان و قصر ابونصر تاکنون منتشر شده است. مهرها و مهرواره ها از جهت در برداشتن نام های اشخاص، عنوان ها و نام جای ها از اهمیت برخوردارند در بعضی مهرها جملات اندررز نیز دیده می شود. (تفضلی، ۱۳۹۸: ۱۰۹)

۵- نقش برجسته ها

نقش برجسته های ساسانی جزو منابع و مآخذ بزرگ و ارزشمند دوران ساسانی است و معیارهای اصلی برای سنجیدن مدارک به دست آمده از مطالعات باستان شناسی و تاریخی و دستیابی به نتایج و کشفیات مهم. این آثار ارزشمند نمودار بخش وسیعی از هنر، فرهنگ و روش سیاسی و مذهبی ساسانیان است؛ زیرا هر یک از آنها برای بیان و انتقال یک مفهوم و واقعه ای صادق خلق شده است. از آنجا که ظهور ساسانیان اهمیت خاصی در فرایند کلی تاریخ ایران را دارد، لازم است وضعیت دقیق یافته های باستان شناسی، خاصه نقش برجسته های این دوره، روشن گردیده محتوای تاریخی آنها از هر گونه تاریکی و ابهام زدوده شود. تحقیقات و پژوهش های انجام شده بر حجاری های دوره ساسانی انجام شده است، سه موضوع مذهبی، غیر مذهبی و موضوعات ترکیبی را مد نظر داشته اند. موضوعات مذهبی از سه گروه تشکیل یافته است: صحنه تاج ستانی از اهورمزدا، آناهیتا و صحنه ها نیایش. موضوعات غیر مذهبی از شش موضوع متفاوت که شامل صحنه های نبرد سواره، پیروزی، خانوادگی، شاهنشاه و درباریان، نبرد با حیوانات و شکار شاهی. در موضوعات ترکیبی، می توان دو موضوع مذهبی و غیر مذهبی را که صحنه جمع شده اند باز شناخت.

۶- ادوات جنگی

اردشیر اول، بعد از شکست حکومت اشکانیان، ارتشی منظم و نیرومند روی آورد، ارتشی که سال ها بعد توانست به کمک ابزار و آلات تعرضی و دفاعی در جدال با دشمنان ایران به موفقیت های درخور توجهی دست پیدا کند. جانشینان اردشیر، چه در جنگ های تهاجمی و چه

جنگ های دفاعی قادر بودند به کمک سلاح های متنوع جنگی خود، بسته به شرایط رزمی، در رویارویی با دشمنان فنونی کارآمد را به کار گیرند و به پیروزی های قابل قبولی دست یابند. این پیروزی ها ناشی از دشتن نیروهای انسانی موثر، استفاده از ابزار آلات جنگی دیگر مثل یا حکومت های پیشین ایران، ابداعات جدید در زمینه اسلحه سازی راه کارگاههای مناسب جهت اسلحه سازی، توان رزمایشی بالای نظامی جنگ افزارهای بومی و سواره نظام نیرومند و قوی بود. این ادوات شامل: تیرو کمان، تیردان، نیزه، تبر و تبر زین، زوبین، گرز، فلاخن، شمشیر، زره، سپر، کلاه خود، ارا به ها جنگی، نفت و واحد نت اندازان، منجنیق.

نتیجه گیری

دوره ساسانی از دوره های اعتلای هنر و تمدن در ایران پیش از اسلام است. در این دوره جایگاه هنر و هنرمند در مقایسه با دوره های پیش از خود، از شکوفایی قابل وصفی برخوردار است. مهم ترین ویژگی هنر ساسانی هماهنگی و وحدت در کل و جز دست ساخته های آن هاست. همه ی آثار هنری آن ها دارای ویژگی های مشخص و معینی هستند، از جمله تقارن و تکرار، استفاده از طرح های مدور یا بیضی های حاشیه ی مروارید نشان در ترتیب های عمودی و افقی، تاکید بر قدرت و شکوه سلطنت و مذهب، بهره گیری از نشانه ها و نمادهای مذهبی و قومی، استفاده از داستان ها، افسانه ها و اساطیر در خلق طرح ها و نقش هاست. هنرمندان ساسانی همواره مجموعه ای از تصاویر را آماده داشتند و به طور خستگی ناپذیر آن ها را در اندازه های مختلف روی انواع دست آفریده های خود (از نقش برجسته تا مهر) به کار می گرفتند. برداشت از هنر ساسانی در دنیای امروزی بسیار متفاوت است و می توان آن را در حالت کلی به ۶ دسته تقسیم بندی نمود که هر کدام به مطالعه و پژوهشهای فراوانی نیاز دارد.



شکل شماره یک - شهر تاریخی اردشیرخوره

<https://www.iranhotelonline.com/blog/post-1076>



شکل شماره دو-شهر تاریخی شهر دارابگرد

<https://fa.wikipedia.org/wiki>



شکل شماره سه-شهر تاریخی بیشاپور

<https://www.tasnimnews.com/fa/news>



شکل شماره چهار- شهر تاریخی استخر

<https://saednews.com/post/shhr-tarykhy-astkhr-o-jazbh-hay-an-wa0w>



کاخ تیسفون

<https://www.worldhistory.org/image/11782/standing-arch-at-ctesiphon>



کاخ فیروز در استان فارس (کاخ اردشیر بابکان)

<https://www.beytoote.com/iran/bastani/ardeshir-palace-01common.html>



کاخ سروستان در استان فارس

<https://www.beytoote.com/iran/bastani/fars1-sarvestan-palace.html>



کاخ سروستان در استان فارس
عکس از: سایت Google Maps



قلعه دختر بیشاپور در کازرون فارس
<https://kazeroonnews.ir>



قلعه دختر فیروزآباد در شیراز

<https://safarmarket.com/blog/attractions/iran/shiraz/dokhtar-castle>

کتابنامه:

- ابن بلخی، ۱۳۷۴، **فارسنامه**، به سعی و اهتمام گای لسترنج و رینولد نیکلسون، تهران، دارالفنون.
- انصاری، محمود، ۱۳۵۰، **سیری در معماری ایران**، تهران، هنرهای عالی.
- اصطخری، ابراهیم، ۱۳۴۷، **مسالك و ممالك**، تصحیح احسان یارشاطر و ایرج افشار، تهران، انتشارات زیباسازان.
- بوسالی، ماریو. شراتو، امبرتو، ۱۳۸۲، **هنر پارتنی و ساسانی**، ترجمه یعقوب آژند. تهران، انتشارات مولی.
- بهرامی، اکرم، ۱۳۵۶، «**شهرسازی ساسانی**»، مجله تحقیقات تاریخی، سال ۷، شماره ۱۲.
- بهرمان، علی رضا، ۱۳۹۳، «**مطالعه بازشناسی مواد، مصالح و تکنیک ساخت موزائیک های تزئینی ساسانی (کاخ بیشاپور)**»، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۱۹، شماره ۲.
- تقوی نژاد دیلمی، محمدرضا، ۱۳۶۳، **معماری - شهرسازی و شهرنشینی در گذر زمان**، تهران، انتشارات یساولی.
- تفضلی، احمد، ۱۳۹۸، **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، انتشارات سخن.
- خسروزاده، علیرضا، ۱۳۷۷، «**شهرسازی دوره ساسانی**»، پایا نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- ریاضی، محمدرضا، ۱۴۰۲، *طرح ها و نقش های ایرانی*، تهران، نشر گیلگمش.
- سامی، علی، ۱۳۵۴، «*ویرانه های شهر باستانی استخر*»، هنر و مردم، ش ۱۵۸، آذر، صص ۲-۱۲.
- سجادی، علی، ۱۳۸۳، «*هنر گچ بری در معماری ایران*»، مجله اثر، شماره ۲۵.
- شیپمان، کلاوس، ۱۳۹۷، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاوس جهاندار، تهران، چاپ پنجم، فرزان روز.
- شواربی، احسان، ۱۳۹۵، «*سه گفتار مقدماتی درباره سکه شناسی ساسانی*»، پژوهش های ایران شناسی، سال ۶، شماره ۲.
- شاه محمدپورسلطانی، علیرضا، دیگران، ۱۳۹۹، «*امکان سنجی وجود گنبد برفراز کاخ چلیپایی بیشاپور در زمان ساسانیان*»، نشریه علمی باغ نظر، ۱۷(۸۶)، ۴۱-۵۰.
- طهماسبی، احسان، ۱۳۹۲، «*بررسی تطبیقی معماری کاخ هاو خانه های اشرافی ساسانیان*»، پژوهش های باستان شناسی ایران، شماره ۴، دوره سوم.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۲، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- کیانی، محمد یوسف، ۱۳۶۶، *شهرهای ایران*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کریستین سن، آرتور، ۱۳۸۸، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر.
- لسترنج، گای، ۱۳۸۳، *جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- مهرآفرین، رضا، ۱۳۹۳، *شهرهای ساسانی*، تهران، انتشارات سمت.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، ۱۳۶۴، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، *حسن تقاسیم فی المعرفی الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- محمدی شرف آباد، هومان. افتخار جهرمی، فرناز، ۱۳۹۹، «*معماری و شهرسازی دوره ساسانی در استان فارس (مطالعه موردی چهار ایالت فارس: اردشیرخوره، دارابگرد، بیشاپور و استخر)*»، مطالعات ایران شناسی، سال ششم، شماره ۱۸.
- میرزاوند، مسلم، ۱۳۹۷، «*جنگ افزارهای ایرانیان در عصر ساسانی*»، مجله رشد آموزش تاریخ، دره بیستم، شماره یک.
- نظریان، اصغر، ۱۳۸۸، *پویایی سیستم شهری ایران*، تهران، نوآوران.
- هوف، دیتریش، ۱۳۶۵، *صراف، در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، انتشارات ارشاد اسلامی.

Canbepa, M. P. (2017). *The two Eyes of the Earth: Art and Ritual of Kingship between Rome and Sasanian Iran*. Berkeley & los Angeles: University of California press.

Daryaee, T. (2014). *Sasanian Persia: the Rise and Fall of the Empire*. London & New York: I.B. Tauris.

Ghirshman, R. (1971). *Bichapour* (vol.1). paris: P. Geuthner.

Pigulevskaya, N. V. (1963). *Les villes de L'Etat Iranien Aux Epoques Parthe et Sassanide: Contribution a L'Histoire Sociale de La Basse Antiquite*, Paris: Mouton.

Karimian, H. (2010). *Cities and social order in Sasanian Iran: the archaeological potential*. *Antiquity*, 84(324), 453-466.